

## Globalization of New Forms of Punishment Influenced by Criminological Teachings

Ali Aghapour<sup>1</sup>, Abbas Mansoorabadi<sup>2</sup>✉, Abbasali Akbari<sup>3</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** The theory of the globalization of criminal law and specifically the globalization of punishments based on the standards and concepts of human rights and respect for human dignity, leads to the influence of criminology, to the thought and process of globalization by explaining the causes of delinquency and the development of executive stages, the legislator in Improvement and correction of criminal laws has led. thus, criminal law thinkers generally accept the influence of these doctrines in criminal law, especially that these doctrines are based on empirical data and are relatively proven. one of the important types of using criminology data and its results is the new types of punishment in the general criminal law of legal systems.

**Method:** The present research is conducted in the form of descriptive and causal studies in a library-document format.

**Finding and Conclusion:** Over time, criminology and its sub-branches have made criminal law dynamic and advanced. The solutions proposed by this field are without political orientation and are based only on scientific research. If they are used correctly and with planning, they will help to realize just criminal law. Therefore, in the light of criminological studies and criticisms that have been made on the three issues of criminal law, criminal ideas have changed and with the acceptance of the globalization of new types of punishment such as: "semi-liberty system", "electronic surveillance" and "punishment". Alternative Sanctions to Imprisonment have entered the general criminal law. Over time, criminology and its sub-branches have made criminal law dynamic and advanced. The solutions proposed by this field are without political orientation and are based only on scientific research. If they are used correctly and with planning, they will help to realize just criminal law. Therefore, in the light of criminological studies and criticisms that have been made on the three issues of criminal law, criminal ideas have changed and with the acceptance of the globalization of new types of punishment such as: "semi-liberty system", "electronic surveillance" and "punishment". Alternative Sanctions to Imprisonment have entered the general criminal law.

**Keywords:** Globalization of Criminal Law, New Forms of Punishment, Criminology, Semi-Freedom System, Electronic Monitorin, Alternative Sanctions to Imprisonment.

\*Citation (APA): Aghapour, A.; Mansoorabadi, A.; Akbari, A. (2024). Globalization of New Forms of Punishment Influenced by Criminological Teachings. *International Legal Research*, 17(63), 1-21.

1. Doctoral student of criminal law and criminology, Tabriz Unit, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Email: aliaghapour65@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Farabi School, Qom, Iran. (Author). Email: behmansour@ut.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Email: dr.akbari@iaut.ac.ir

### جهانی شدن گونه‌های نوین مجازات متأثر از آموزه‌های جرم‌شناسی

علی آقاپور<sup>۱</sup>، عباس منصورآبادی<sup>۲</sup>✉، عباسعلی اکبری<sup>۳</sup>

#### چکیده

**زمینه و هدف:** نظریه جهانی شدن حقوق کیفری و به صورت خاص، جهانی شدن مجازات‌ها مبتنی بر موازین و مفاهیم حقوق بشری و رعایت کرامت انسانی، منجر به متأثر شدن جرم‌شناسی، به اندیشه و فرآیند جهانی شدن با تشریح علل بزهکاری و تکوین مراحل اجرایی، قانون‌گذار را در بهبود و اصلاح قوانین کیفری هدایت کرده است. بدین‌سان، اندیشمندان حقوق کیفری به طور کلی، نفوذ این آموزه‌ها را در حقوق کیفری مورد پذیرش قرار می‌دهند؛ به ویژه آن که این آموزه‌ها مبتنی بر داده‌های تجربی بوده و نسبتاً ثابت شده باشند. یکی از اقسام مهم استفاده از داده‌های جرم‌شناسی و دستاوردهای آن، گونه‌های نوین مجازات در حقوق کیفری عمومی نظام‌های حقوقی است.

**روش:** تحقیق حاضر از نوع مطالعات توصیفی و علی به صورت کتابخانه‌ای- اسنادی انجام می‌شود.

**یافته‌ها و نتایج:** با گذشت زمان، جرم‌شناسی و زیرشاخه‌های آن، حقوق کیفری را پویا و پیش‌رو ساخته است. راهکارهایی که این رشته پیشنهاد می‌نماید، که بدون جهت‌گیری سیاسی و تنها بر اساس تحقیقات علمی است، در حالتی که به‌درستی و با برنامه‌ریزی مورد بهره‌گیری واقع شوند، به محقق شدن حقوق کیفری عادلانه یاری می‌رساند. از این‌رو، در پرتو مطالعات جرم‌شناختی و نقدهایی که بر موضوع‌های سه‌گانه حقوق کیفری وارد شده است، اندیشه‌های کیفری دگرگون گشته و با پذیرش جهانی شدن گونه‌های نوین مجازات از قبیل: «نظام نیمه‌آزادی»، «نظارت الکترونیکی» و «مجازات‌های جایگزین حبس»، وارد حقوق کیفری عمومی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** جهانی شدن حقوق کیفری، گونه‌های نوین مجازات، جرم‌شناسی، نظام نیمه‌آزادی، نظارت الکترونیکی، مجازات‌های جایگزین حبس.

\* استناددهی (APA): آقاپور، علی؛ منصورآبادی، عباس؛ اکبری، عباسعلی. (۱۴۰۳). جهانی شدن گونه‌های نوین مجازات متأثر از آموزه‌های جرم‌شناسی. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۷(۶۳)، ۱-۲۱.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

رایانامه: aliaghapour65@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده‌گان فارابی، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: behmansour@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

رایانامه: dr.akbari@iaut.ac.ir

## مقدمه

حقوق کیفری با جهانی‌شدن معضل جرم، تدابیر متعددی را در سطح ملی و برون‌مرزی توصیه نموده است، ولی جرم‌شناسی با چند دهه تأخیر، به اندیشه و فرآیند جهانی‌شدن توجه نموده است. بدین ترتیب، در حال حاضر، با توجه به تحول متغیرهای مطالعات جرم‌شناسی، ناکارآمدی مطالعات جرم‌شناختی در سطح ملی، ضرورت استقلال علمی در قبال ملاحظات سیاسی و اجتماعی دولت‌ها و کمک به توسعه فعالیت‌های علمی جرم‌شناسی در سطح برون‌مرزی، ایجاب می‌کند که این علم نیز جهانی شده (جرم‌شناسی جهانی<sup>۱</sup>) و ضمن انجام تحقیقات و مطالعه در سطح فرامرزی، راهکارهای برون‌مرزی نیز برای جامعه جهانی در قبال پدیده بزهکاری ارائه نماید (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

تأثیر و تأثر متقابل حقوق کیفری و جرم‌شناسی بی‌گمان در پرتو سنج‌های حقوق بشری و سلوک اخلاقی صورت می‌گیرد که بر اصول حقوق کیفری حاکم است؛ زیرا در هر دو رشته مبتنی بر کرامت ذاتی انسانی، فارغ از ویژگی‌های نژادی، قومی، دینی و... موضوعیت دارد. امروزه، کرامت انسانی یکی از بنیادهای شکل‌گیری نظم سیاسی و حقوقی در قلمرو داخلی و بین‌المللی است و این مفهوم در عرصه حقوق کیفری اهمیت دوچندانی دارد. از این رو، می‌توان فلسفه وجودی حقوق کیفری را استوار بر پاسداشت کرامت انسانی شناسایی کرد و به جرأت می‌توان گفت سیاست جنایی در جوامع امروزی در پرتو آن شکل می‌گیرد و از ملزومات و مقتضیات اصلی اقتدار قضایی به شمار می‌رود (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۹).

از این رو، در جوامع دموکراتیک، دستاوردهای علمی، از جمله یافته‌های جرم‌شناسی برای ورود به حقوق کیفری در پرتو اصول و معیارهای حقوقی ارزیابی می‌شود؛ آورده‌های علمی که در عین حال ممکن است با خوانش سیاسی سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران حاکم روبه‌رو و مستند سیاست‌های «عوام‌گرایانه کیفری<sup>۲</sup>» و یا «سخت‌گیرانه کیفری<sup>۳</sup>» واقع شوند. لیکن، این

۱. اصطلاح «جرم‌شناسی جهانی» (Global Criminology) به مجموعه‌ای از آثار در حال تکامل اشاره می‌کند که به دنبال بررسی ارزش جرم‌شناسی برای درک دامنه و ماهیت پیچیده جهانی‌شدن و به‌هم‌پیوستگی فراملی هستند. این اصطلاح را نمی‌توان به این معنا دانست که جرم‌شناسی به عنوان یک علم اجتماعی در دامنه خود جهانی شده است، بلکه نشان‌دهنده تلاش‌های روش‌شناختی، نظری و اخلاقی برای انتقال دانش جرم‌شناسی به فراسوی مرزهای ملی است (کرامتی معز، ۱۴۰۲: ۲۰۴).

۲. عوام‌گرایی برای نخستین بار در علوم سیاسی مطرح شد، اما حرکت‌های عوام‌گرا مسئولان دستگاه عدالت کیفری در خصوص افزایش جرائم و... سبب توجه به خواست مردم و افکار عمومی در سیاست‌گذاری‌های کیفری شدند. از این رو، دولتمردان با توجه به ناکارآمدی الگوهای اصلاح و درمان در برابر نرخ جرم و هزینه بسیار زیاد این رویکردها و بحران اقتصادی دولت‌ها و مطالبه روزافزون مردم در زمینه تأمین امنیت و آسایش، سبب گرایش به سیاست‌های کیفری عوام‌گراانه شدند (آقاپور و شاهد، ۱۴۰۲: ۸۵).

۳. اصطلاح سخت‌گیری کیفری یا به عبارت دیگر، عدم انعطاف و مدارانابذیری، با اتخاذ ضمانت اجرای شدید و حتمی، سیاست بدون اغماض مبارزه با جرائم را در دستور کار خود قرار داد و مقوله تأمین و حفظ نظم و امنیت را به عنوان موضوع

سیاست گذاری‌ها همواره در پرتو دموکراسی علمی قابل ارزیابی تخصصی - فنی جرم‌شناسانه نیز است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۷۱۹-۷۱۸).

در واقع، جرم‌شناسی حقوق کیفری دانشی است که با انجام مطالعات جرم‌شناختی و بررسی بازتاب‌های آن در قوانین کیفری به دنبال پر کردن خلأهای تقنینی (دستاوردهای ابتدایی) و یا اصلاح قوانین کیفری فعلی (دستاوردهای اصلاحی) است (لافر و آدلر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۷).

در کشور ما نیز در نتیجه تلاش‌های گروهی از جرم‌شناسان و حقوق‌دانان کیفری در چند دهه گذشته، این دانش جایگاه و پایگاه بلندی پیدا کرده است و اندیشه‌ورزی‌های آنان به طور چشم‌گیری حقوق کیفری کشورمان را تحت تأثیر قرار داده است؛ تا جایی که رد و تأثیر این اندیشه‌ورزی‌ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲<sup>۲</sup> بیش‌ازپیش نمود پیدا کرده است. به عبارتی، توجه به گونه‌های نوین مجازات بیشتر تحت تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی و تعاملات بین‌المللی در حوزه مبارزه با بزهکاری و شناخت تجربه کشورهای غربی و افزایش چشم‌گیر منابع مکتوب جرم‌شناختی در ایران است. با این حال، مشکلات اجرایی و تورم جمعیت کیفری به موازات هزینه‌های سرسام‌آور نگهداری زندانیان در سال‌های اخیر در گرایش به گونه‌های نوین مجازات نیز تأثیرگذار بوده است.

بنابراین، یکی از اقسام استفاده از داده‌های جرم‌شناسی و دستاوردهای آن می‌تواند ناظر به حقوق کیفری عمومی باشد. از جمله نفوذ آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی می‌توان به مجازات‌های نوین که مهم‌ترین آن‌ها جایگزین حبس می‌باشد، اشاره داشت.

با توجه به تحولات چشم‌گیری که از آغاز پیدایش جرم‌شناسی تا به امروز شاهد آن بوده‌ایم، از یک سو، جرم‌شناسی به شاخه‌های گوناگونی دسته‌بندی می‌شود و از سوی دیگر، آموزه‌های بسیار متنوعی در این شاخه‌ها و از سوی جرم‌شناسان مطرح گردیده است که قلمرو وسیعی را شامل می‌شود. از این رو، در این پژوهش به دنبال نشان دادن مهم‌ترین آموزه‌های تأثیرگذار جرم‌شناسی بر گونه‌های نوین مجازات که در حقوق کیفری عمومی پیش‌بینی شده است، می‌باشیم و بدیهی است فرصت ارزیابی تمام جوانب قوانین کیفری در پیوند با تمام آموزه‌های جرم‌شناسی فراهم نیست.

شایان ذکر است پژوهش‌های قابل توجهی که درباره مجازات‌ها انجام گرفته، عمدتاً ناظر به شرایط اجرایی و ویژگی‌های مجازات‌ها است و مطالعات بنیادین مانند توجه به ابعاد جرم‌شناختی گونه‌های نوین مجازات‌ها به ندرت در آنها به چشم می‌خورد؛ در همین راستا، این پژوهش تحلیل

عمده اجتماعی از رهگذر واکنش‌های سختگیرانه‌ای مانند تعقیب، دستگیری و بازداشت‌های وسیع افراد مظنون و غیرمظنون در کانون توجه قرار می‌دهد (کرامتی معز حسن آبادی، ۱۴۰۲: ۹).

1. Laufer & Adler

۲. زین پس، به صورت اختصاری از آن با حروف «ق.م.» یاد می‌شود.

آموزه‌های جرم‌شناختی و تأثیر آن بر پذیرش این قسم از مجازات‌ها را مدنظر قرار می‌دهد. به‌این ترتیب، در این مقاله در پی پاسخ‌گویی به دو پرسش هستیم: ۱- مهم‌ترین نظریه‌های جرم‌شناسی که می‌توان به عنوان مبانی نظری پذیرش جهانی گونه‌های نوین مجازات بجای مجازات سنتی حبس در حقوق کیفری از آن‌ها یاد کرد، کدامند؟ ۲- تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی بر شکل‌گیری جهانی گونه‌های نوین مجازات چگونه بوده است؟

### ۱. نظریه‌های جرم‌شناسی مبتنی بر جهانی‌شدن گونه‌های نوین مجازات

همان‌طور که می‌دانیم، هدف از طرح مبانی نظری پژوهش، بیان نظریه‌ها و مدل‌های علمی است که تحلیل داده‌های پژوهش مبتنی بر آن‌ها صورت می‌گیرد و به عنوان سنگ‌بنای پژوهش و معیار و محک ارزیابی آن در اختیار خواننده قرار می‌گیرد؛ از یک سو، قلمرو و دامنه پژوهش را محدود می‌سازد و از سوی دیگر، چشم‌انداز پژوهشگر به موضوع و مسئله را نشان می‌دهد. افزون بر این، پژوهشگر می‌تواند نتایج پژوهش خود را در راستای نظریه‌ها یا مدل‌ها مورد نقد و ارزیابی قرار دهد و درستی فرضیه خود را اثبات کند. در این راستا، پژوهش حاضر بر پایه چند نظریه مهم جرم‌شناسی به شرح زیر انجام می‌شود: ۱- نظریه اصلاح و درمان و شکست آن، ۲- نظریه برچسب‌زنی / جرم‌شناسی تعامل‌گرا، ۳- نظریه جرم‌شناسی محکومان و ۴- جرم‌شناسی صلح‌طلب.

#### ۱-۱. نظریه اصلاح و درمان و شکست آن

مجازات حبس به منزله یک مجازات اصلی، از نیمه دوم قرن هجدهم به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر در نظام کیفری بسیاری از کشورها وجود دارد؛ هرچند در سیر تحول نظام مجازات‌ها، تحولاتی در زمینه مجازات حبس و بهتر اجرایی شدن آن وجود دارد (صفاری، ۱۴۰۱: ۴۳).

تحقیقات جرم‌شناسی مبتنی بر این است که مجازات حبس در وصول به هدف اصلاحی نیز ناکام ماند و به یک کانون آموزش بزهکاری و جرم تبدیل گردید تا زندانیان در آن مکان روش‌های مختلف ارتکاب جرم را به صورت فنی و حرفه‌ای آموزش دیده و یاد بگیرند؛ تا جایی که زندان را از ماهیت «کلینیک درمانی» در نگاه جرم‌شناسان تحقیقی به «مدرسه جرم» بدل کرد. در واقع، با شکست رویکرد اصلاح و درمان و نگاه مثبت به مجازات حبس، جرم‌شناسی انتقادی با ایرادات وارده به رویکرد جرم‌شناسی تحقیقی، زمینه ظهور مجازات‌های جایگزین را فراهم آورد؛ اگرچه از مقطعی به بعد هم‌آوایی نظریه‌های جرم‌شناسی در تأیید تحدید کیفر زندان نیز قابل توجه است (ریاضت، ۱۳۹۸: ۱۵۱). شکست سیاست‌های اصلاح و درمان که از آن با عنوان «شکست جرم‌شناسی اصلاح و درمان» یاد می‌شود، به بحرانی در کشورهای غربی بدل گردیده بود.

جرم‌زا بودن محیط زندان، هزینه اقتصادی زندان، مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن و... باعث بروز انتقادات شدیدی نسبت به این مجازات شده است، به طوری که حتی موافقان آن را

دچار تردید کرده و در نهایت، به واکنش وا داشته است. یکی از مهم‌ترین واکنش‌هایی که نسبت به این اعتراضات صورت گرفته است، پیشنهاد استفاده از جایگزین‌های مجازات حبس و اجتناب از آن، مگر همچون آخرین حربه بوده است (والهی و احسان پور، ۱۳۹۵: ۲۴۷).

گراف نیست اگر بگویم جرم‌شناسی به آرامی زاده شد، ولی به سرعت رشد و توسعه پیدا کرد؛ به گونه‌ای که هر روز شاهد پیدایش نظریه‌ای تازه در این عرصه هستیم. شاید بتوان گفت نظریه اصلاح و درمان که جرم‌شناسان نخستین (بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی) بر آن تأکید داشتند، نخستین نظریه‌ای بود که راه را برای طرح دیگر نظریه‌های جرم‌شناسی هموار ساخت؛ تا جایی که در حدود دهه هفتاد، با توجه به افزایش آمار بزهکاری در آمریکای شمالی و پاره‌ای دیگر از کشورها، در تقابل با آن نقدهای فراوانی مطرح شد و به نظریه شکست اصلاح و درمان موسوم گشت.<sup>۱</sup> اگر با طراحان این ایده همدل باشیم و با در نظر گرفتن مطالعات تجربی دیگری که در کشورهای مختلف در زندان‌ها انجام شده است، این باور را بپذیریم که حبس و زندان محل مناسبی برای اصلاح و درمان نیست، از این راه می‌توانیم به این درک برسیم که نطفه رویکرد به مجازات‌های نوین، به ویژه جایگزین‌های حبس، با رویکرد انتقادی به حبس و اصلاح و درمان منعقد گردیده است. چکیده سخن این است که زندان برخلاف انتظار، نه تنها در امر اصلاح و درمان توفیق نداشته و ندارد، بلکه به محلی برای فراگیری شیوه‌های دیگر بزهکاری تبدیل شده است. از این رو، چاره‌جویی‌ها ما را به جایگزین‌های حبس و مجازات‌های نوین رهنمون می‌سازد.

## ۱-۲. نظریه برچسب‌زنی (جرم‌شناسی تعامل‌گرا)

جان‌مایه نظریه برچسب‌زنی<sup>۲</sup>، این عقیده است که «وقتی یک فرد از سوی دیگران در قالب خاصی توصیف شود، در نتیجه فشار اجتماعی، به تغییر ادراک از خویشتن و رفتار خود دست خواهد زد تا با این تعریف هماهنگ گردد» (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیکی، ۱۴۰۱: ۱۸۲).

نظریه برچسب‌زنی یا جرم‌شناسی تعامل‌گرا در باورهای «ادوین. ام. لی مرت» ریشه دارد و به دو مفهوم «کج‌روی نخستین» و «کج‌روی دومین» توجه دارد؛ کج‌روی نخستین که همان نقض هنجارهای کیفری برای بار نخست است و کج‌روی دومین یا تکرار جرم که احتمال گرایش به آن با واکنش سامانه عدالت کیفری افزایش می‌یابد (مارش و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۲)؛ زیرا به واسطه برخورد جامعه و نظام کیفری با این دسته به عنوان بزهکار، شماری از آنان سریعاً تحت تأثیر تصویر ارائه شده از سوی دیگران قرار می‌گیرند و بر این اساس، مانند نوع نگاه سایرین رفتار

۱. شایان ذکر است که شکست نظریه اصلاح و درمان، گروهی را بر آن داشت تا به توجیه تشدید واکنش‌های کیفری روی آورند (پرادل، ۱۳۹۶: ۱۲۹-۱۲۳).

می‌کنند. به این سان، کج‌روی دومین نتیجه فرآیند بزهدار به شمار آوردن تعدادی از شهروندان است.

در همین چارچوب، «هوارد بکر» هم با معرفی نظریه برچسب‌زنی به نقش واکنش اجتماعی در تکرار بزهداری اشاره داشته است (مارش و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۹). از این منظر، بزهداری نتیجه تدوین مقررات و اعمال آن‌ها و محاکمه مرتکبان این پدیده است (صدیق سروستانی، ۱۴۰۱: ۵۷). بنابراین، جرم‌شناسی تعامل‌گرا در راستای اعتراض به جرم‌شناسی رایج یا جریان اصلی و یا تحت مطالعه قرار دادن «واکنش سیاست جنایی» و نقش و سهم نهادهای عدالت کیفری در پیدایش بزهداری شیوه‌های مداراگرایانه مانند کیفرهای جامعه‌مدار را برای کاهش احتمال خوردن برچسب مجرمانه، کسب هویت بزهدار و پایداری شماری از شهروندان در عرصه بزهداری پیشنهاد داده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۱۷).

یکی از مهم‌ترین آثار زیان‌بار زندان، الصاق برچسب به مرتکب و در نتیجه، طرد اجتماعی اوست. نفس ورود به زندان با جدا شدن از جامعه متعارف می‌تواند زمینه تغییر در طرز تفکر و برخورد دیگران با شخص را فراهم آورده و برچسب‌زننده باشد، بدین ترتیب تحقیقات جرم‌شناسی مؤید این واقعیت است که اساساً اجرای مجازات زندان با اندیشه اصلاح و بازپروری بزهدارانه منافات دارد. به همین جهت و البته، با توجه به ایرادهای اقتصادی و حقوق بشری ناظر به زندان، قانونگذار از رهگذر فصل نهم بخش نهم کتاب اول با عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» در صدد شناسایی این شیوه برای پاسخ‌دهی به جرم برآمده است. بدیهی است این نوع ضمانت اجراها که به موجب ماده ۶۴ این قانون شامل «... دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است...» می‌تواند تا اندازه‌ای اسباب دور شدن مجرمان از پیامدهای زیان‌بار زندان را فراهم سازد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد آموزه‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرا در جهت‌دهی مقنن به سمت وارد ساختن مجازات‌های جامعه‌مدار به سیاهه پاسخ‌ها نقش داشته است.

با این وصف، تئوری برچسب‌زنی یک رویکرد جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی متمایز ارائه می‌دهد که بر نقش برچسب‌گذاری اجتماعی در توسعه جرم و انحراف تمرکز دارد. این نظریه فرض می‌کند که اگرچه رفتار انحرافی در ابتدا می‌تواند ناشی از علل و شرایط مختلف باشد، اما هنگامی که افراد به عنوان منحرف، برچسب زده یا تعریف شدند، اغلب با مشکلات جدیدی مواجه می‌شوند که ناشی از واکنش‌های خود و دیگران به کلیشه‌های منفی (انگ و برچسبی که بر آن‌ها نهاده شده) است. اگرچه برچسب‌زنی درباره هر نوع واکنش کیفری مصداق دارد و در نگاه نخست ممکن است چنین به نظر برسد که داعیه نادیده گرفتن حقوق کیفری را دارد، اما با لحاظ سطح و گونه‌های برچسب، در پی تعدیل حقوق کیفری و کاستن از پیامدهای منفی آن است.

از این رو، مهم‌ترین پیشنهاد هواداران این نظریه اجتناب از تعیین مجازات حبس به عنوان بدترین برجسیبی است که بر بزهکاران زده می‌شود. بدین سان و با توجه به اینکه هنوز گزینه‌های مناسبی برای روگردانی از حقوق کیفری در اختیار نداریم، بهتر است از برجسب حبس که می‌تواند در واکنش‌های بعدی بزهکار تأثیر جدی داشته باشد، رویگردان شویم. در این راستا، بهترین گزینه جایگزین‌های حبس و مجازات‌های نوین است.

### ۱-۳. نظریه جرم‌شناسی محکومان

جرم‌شناسی محکومان برخلاف تمام رشته‌های جرم‌شناسی که در خارج از زندان متولد شدند، درون زندان به دنیا آمد، رشد و نمو یافت و جای خود را در میان سایر نظریه‌ها و مکاتب جرم‌شناسی باز نمود. اگر پدیدآورندگان جرم‌شناسی کلاسیک فلاسفه بودند، جرم‌شناسی علمی توسط پزشکان و بعدها، جامعه‌شناسان و روانشناسان به وجود می‌آمد؛ جرم‌شناسی محکومان را زندانیان خلق کردند (شیری، ۱۳۹۷: ۵۲).

آموزه‌های جرم‌شناسی محکومان به نقد سیاست‌گذاری‌های جنایی پرداخته است؛ من جمله اینکه با توجه به جمعیت بالای زندانی و ازدحام ناشی از آن و افزایش هزینه‌های زندان، شلوغی زندان‌ها و کاهش منابع بودجه، دستاوردهای تأدیبی، اصلاحی و تربیتی را استدلال کرده‌اند که هیچ اقدامی در اصلاح زندان‌ها و پیشبرد اهداف بازپروری آن انجام نمی‌شود. بسیاری از زندان‌ها به انباری برای مجرمان تبدیل شده‌اند و نه تنها باعث بازپروری مجرمان نمی‌شود، بلکه به عنوان (مدرسه جرم) در انتقال فرهنگ بزهکاری به مجرمان تازه کار مؤثر خواهد بود (کرامتی معز، ۱۴۰۲: ۱۱۱).

این جنبش توسط محکومان سابق که اکنون به استادان دانشگاه‌ها تبدیل شده‌اند، ایجاد شده است. این زنان و مردان که لباس‌های نامناسب زندان و جامه فاخر دانشگاهی را پوشیده‌اند و سال‌ها در پشت دیوارهای زندان بوده و اکنون در دانشگاه‌ها به سر می‌برند، معماران اصلی این جنبش به شمار می‌روند (دکسردی، ۱۴۰۲: ۹۸-۹۹).

جرم‌شناسی محکومان دیدگاهی نسبتاً جدید در زمینه‌های جرم‌شناسی و عدالت کیفری به شمار می‌آید. مهم‌ترین دستاورد کسانی که در ذیل این عنوان نظریه‌پردازی کرده‌اند، این بوده است که واقعیت بزهکاری و واکنش در برابر آن را نمی‌توان بدون درک مستقیم و بی‌واسطه این دو موضوع نشان داد. مطالعات این گروه که توسط پژوهشگران درگیر در زمینه بزهکاری و محکومیت کیفری صورت گرفته است، تأثیر زیادی بر تغییر نگرش اندیشمندان حوزه علوم جنایی، سیاستمداران و سیاست‌گذاران جنایی گذاشت و آنان را به چاره‌جویی برای رهایی از بحران زندان‌ها و داشتن بی‌اغراق، حاصل گفتمان برآمده از نظریه‌پردازی این گروه بستر پذیرش و اجرای مجازات‌های نوین و جایگزین‌های حبس را فراهم ساخت. نقادی آن‌ها بود که به مثابه



نهیست جدیدی در عرصه علوم جنایی، همگان را به تردید و تأمل درباره مسلمات حقوق کیفری، از جمله کیفر حبس و چاره‌جویی برای روش‌های کیفری مناسب‌تر واداشت. بدین‌سان، مطالعات این گروه که در حوزه جرم‌شناسی انتقادی نوین قرار می‌گیرند، راه را برای بازبینی پیوسته راهکارهای کیفری باز کرد و به‌درستی می‌توان کیفرهای نوین و جایگزین‌های حبس را به مثابه یکی از مهم‌ترین دستاوردهای آن به شمار آورد.

#### ۱-۴. جرم‌شناسی صلح‌طلب

«جرم‌شناسی صلح‌طلب»<sup>۱</sup> مبتنی بر توافق و مصالحه بوده و بیانگر یک رویکرد صلح‌جویانه در برخورد با مرتکبین بزه است و در واقع، مخالف هرگونه خشونت در اجرای مجازات‌ها است. نگرش جرم‌شناسی صلح‌طلب در مورد مفهوم جرم و راهکارهای مقابله با آن متفاوت از سایر جرم‌شناسی‌هاست که استفاده از این نگرش و راهکارها در مورد برخی جرائم می‌تواند آثار مفیدی را به همراه داشته باشد (صفاری و صابری، ۱۳۹۸: ۱۴۸).

از مهم‌ترین جنبه جرم‌شناسی صلح‌طلب می‌توان به پارادایم عدالت ترمیمی اشاره داشت که از منظر فلسفه فکری اصلاح‌مدارانه و ترمیم‌خواه، با جرم‌شناسی صلح‌جو در یک مسیر هستند. جرم‌شناسان صلح‌طلب، عدالت ترمیمی را به عنوان پاسخی صلح‌گرا به جرم می‌شناسند و به نوعی، طرفدار عدالت ترمیمی در سیاست جنایی قضایی هستند. به عبارت بهتر، ایجاد عدالت ترمیمی، مهم‌ترین رسالت جرم‌شناسی صلح‌طلبانه در جهت بازپروری و بازسازی نظام عدالت کیفری است. جرم‌شناسی صلح‌جو زمینه‌هایی نو در تغییر اعمال راهبردهای سخت‌گیرانه کنترل جرم، به سمت وسوی استفاده از راهبردها و شیوه‌های انسانی همچون مصالحه و میانجی‌گری می‌باشد (کرامتی معز، ۱۴۰۲: ۸۶-۸۷).

از این‌رو، این نظریه در جستجوی مداراگرایی با مرتکبان جرائم می‌باشد. لذا، نه تنها ایجاد و وضع شیوه‌های نوین اجرای کیفر مثل آزادی تحت نظارت سامانه‌ها و نیمه‌آزادی همسو با آموزه‌های این نظریه است، بلکه بسترسازی برای بهره‌گیری از نهادهای تخفیفی توسط قضات که نمایانگر رویکرد سازشی و مداراگرایانه است نیز متأثر از این یافته‌ها می‌باشد. در این میان، نهاد عفو را می‌توان یکی از بارزترین و برجسته‌ترین نهادهایی دانست که متأثر از جرم‌شناسی صلح‌جو می‌باشد؛ زیرا مقامات قضایی و اجرایی به منظور اعطای این نهاد در برخورد با بزهکاری و بزه‌کار، خشونت را کنار گذاشته و به مصالحه می‌پردازند (باقری، ۱۴۰۰: ۶۳). در واقع، در چنین وضعیتی نظام عدالت کیفری عذوفت خود را نشان داده و با ملایمت با بزهکار رفتار می‌کند.

در ارتباط با پذیرش جهانی گونه‌های نوین مجازات، نظریه جرم‌شناسی صلح‌طلب می‌تواند تأثیراتی مثبت داشته باشد. این نظریه بر این اعتقاد است که اعمال مجازات‌هایی که منجر به از

1. Peacemaking Criminology.

دست دادن آزادی و حقوق افراد می شوند، اغلب منجر به تشدید احساسات منفی، خشونت و خشم در جامعه می شود و در نهایت، می تواند به افزایش جرم و خشونت منجر شود. از این رو، برخی از طرفداران نظریه جرم شناسی صلح طلب باور دارند که گونه های نوین مجازات می توانند بجای جرم و خشونت، راهکارهایی را برای حل صلح آمیز اختلافات و اصلاح رفتارها ارائه دهند.

## ۲. تأثیر آموزه های جرم شناسی بر جهانی شدن گونه های نوین مجازات

تحولات حقوق کیفری در سطح جهانی نقش عمده ای در گرایش به گونه های نوین مجازات در ایران داشته است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد به عنوان فراگیرترین نهاد بین المللی با قطعنامه ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ (۲۳ آذر ۱۳۶۹ خورشیدی)، «قواعد استاندارد حداقل برای اقدام های غیر سالب آزادی» معروف به قواعد توکیو<sup>۱</sup> را تصویب می کند و در ادامه، شورای اروپا با توصیه نامه قواعد اروپایی درباره ضمانت اجراها و تدابیر اجتماعی در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۹۲ (۲۷ مهر ۱۳۷۱ خورشیدی)، جایگزین های حبس و نهادهای ارفاقی را جهانی سازی می کند. همچنین، بیانیه ابوجا- نیجریه - که هشتم تا دهم فوریه ۲۰۰۰ (۱۹ تا ۲۱ بهمن ۱۳۷۸ خورشیدی) توسط سازمان اصلاحات کیفری بین المللی تدوین شد، به صراحت جایگزین های حبس را که در زمره گونه های نوین مجازات قرار می گیرند، در کنار استاندارد سازی و بهبود شرایط زندان ها به دولت ها توصیه می کند و بدین ترتیب، انواع و اشکال جایگزین های نوین حبس در قوانین کشورهای راه می یابد (رستمی، ۱۴۰۲: ۱۵۹).

حقوق کیفری تا پیش از شکل گیری جریان های حقوق بشری و جرم شناسانه، به تعدادی اندک از ضمانت اجراها تکیه داشت. در این میان، کیفرهای بدنی و سالب آزادی بیش از دیگر گونه های کیفر مورد توجه بودند. با وجود این، روآوری به مجازات سالب آزادی به جهات مختلف از جمله از حیث آموزه های جرم شناسی با انتقادهای متعددی مواجه شده است. در طول تاریخ حقوق کیفری ایران، برای فردی کردن مجازات، نهادهای مختلفی از جمله تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات، اعمال تخفیف، تبدیل مجازات و آزادی مشروط وجود داشته است که می توان از آن ها به گونه های سنتی مجازات های جایگزین زندان در حقوق کیفری عمومی نام برد. در این نوشتار، گونه های نوین مجازات مدنظر است که عبارتند از: «نظام نیمه آزادی<sup>۱</sup>»، «نظام نظارت الکترونیکی<sup>۲</sup>» و «مجازات های جایگزین حبس» که در ادامه، به تبیین تأثیر آموزه های جرم شناسی بر شکل گیری هر یک از آن ها می پردازیم.

1. Semi-liberty  
2. Electronic Monitoring



## ۲-۱. تحلیل جرم‌شناسی جهانی شدن پذیرش نظام نیمه آزادی

مطالعات جرم‌شناسی حاکی از آن است که اعمال شیوه مدیریت واحد (یکسان برای همه) در زندان نمی‌تواند تغییرات اصلاحی مورد نظر را در زندانیان فراهم آورد و این پیام را آشکار می‌سازد که به جای اعمال شیوه مدیریت واحد و یکسان برای همه زندانیان، لازم است از الگوهای دیگر همچون نظام نیمه آزادی استفاده شود؛ این نوع نظام، که به موجب آن، محکوم شغل و یا دست‌کم، کار خود خارج از محیط زندان را در طول روز حفظ و شب‌ها و روزهای تعطیل را در زندان سپری می‌کند، می‌توان به حبس‌های پایان هفته‌ای نزدیک دانست (آنسل، ۱۴۰۱: ۹۹). در پرتو این شیوه، محکومان به کیفر حبس بدون مراقب در بیرون از محیط زندان فعالیت‌های حرفه‌ای خود را پی گرفته و در دیگر وقت‌ها مثل شب‌ها، در زندان به سر می‌برند.

قانون‌گذاران کیفری هدف از اعطای این نهاد را تحقق یکی از اهداف جرم‌شناختی مجرم‌محوری اصلاح یا بزه‌دیده‌محوری جبران ضرر و زیان دانسته‌اند (عبدالهی، ۱۳۹۳: ۲۷۰)؛ لذا، چنانچه احتمال تحقق چنین اهدافی وجود نداشته باشد، بهره‌گیری از این تأسیس ممکن نخواهد بود. از این رو، می‌توان این نهاد را در پرتو جرم‌شناسی بالینی و بزه‌دیده‌شناسی حمایتی ملاحظه نمود؛ چراکه غرض از جرم‌شناسی بالینی، اصلاح مجرم و پیشگیری ثالث بوده و غایت بزه‌دیده‌شناسی حمایتی هم مساعدت بزه‌دیده و ترمیم خسارات وارده به او می‌باشد.

در قانون مجازات فرانسه، مواد ۱۳۲-۲۵ و ۱۳۲-۲۶ و ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مواد ۵۶ و ۵۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ با تأسی از نظریات جرم‌شناسی و بهره‌مندی از گفتمان حاکم بر جرم‌شناسان بین‌المللی، نظام نیمه آزادی را در جهت حمایت از شخص بزه‌کار، خانواده او و در نهایت، جامعه به رسمیت شناخته است.

مقابله با آثار سوء حبس از طریق به‌کارگیری نظام نیمه آزادی در برخی از اسناد بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در ماده ۲۹ مصوبه مجمع عمومی موضوع قطعنامه شماره ۴۰/۳۳ در ۱۹۸۵ راجع به حداقل قواعد معیار سازمان ملل متحد برای اجرای عدالت نوجوان معروف به قواعد پکن بر تلاش دولت‌ها در فراهم ساختن ترتیبات شبه‌نهادی مانند: نصف اقامت در منزل، آموزش در منزل، مراکز آموزشی روزانه و یا سایر ترتیباتی که به جوانان در بازگشت مجدد و مناسب به اجتماع یاری رساند، تأکید شده است. در برنامه ایدز سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۹۹ نیز ترتیباتی برای پیشگیری از انتقال بیماری ایدز در زندان‌ها پیش‌بینی شده است که نظام نیمه آزادی در عداد این تدابیر مورد تصریح قرار گرفته است. مطابق مواد ۴۹ و ۵۰ این سند، بر ضرورت احتراز از محروم‌سازی زندانیان از نظام نیمه آزادی تأکید شده و آن را ترتیبی برای مراقبت‌های پزشکی، حمایت روانی و خدمات اجتماعی به زندانیان مبتلای به ایدز دانسته است (اکرمی و سیف‌الله پور، ۱۳۹۶: ۶).

این نظام برای اشخاصی مفید است که به صورت اتفاقی مرتکب جرائم خفیف یا غیر عمدی می شوند و چند روز محرومیت از آزادی موجب تنبیه آنان می شود. از طرف دیگر، تعهد بزهکاران به سپردن تأمین مناسب و مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی، درمان اعتیاد یا بیماری، تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، آموزشی و حرفه آموزی برای بهره مندی از این راهکار در نظر گرفته شده است.

افزون بر این، دو شرط دیگر با رویکرد بزه دیده مدار برای بهره جستن از شیوه نیمه آزادی در ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است. شرط نخست، گذشت شاکی و شرط دوم، مشارکت بزهکار در ترمیم خسارت های وارد بر بزه دیده است. از نظر تدوین کنندگان قانون، صرفاً آن دسته از مجرمان سزاوار برخوردار از این نهاد هستند که علاوه بر داشتن شرایط پیش گفته، در جهت ترمیم خسارت های وارد بر بزه دیده و جلب رضایت وی اقدام نمایند. مع الوصف، برخلاف گذشته که این روش تنها به عنوان یکی از شیوه های عدالت کیفری عمودی و با ماهیت بازپرورانه به شمار می آمد، امروزه در پرتو قوانین کیفری و پذیرش رویکرد اعتباربخشی به اراده بزهکار، شیوه نیمه آزادی به صورت یکی از جلوه های راهبردهای ترمیمی نیز شناسایی شده است.

رویکرد ترمیمی اهداف عدالت کیفری را به شیوه های کم هزینه تر و انسانی تر دنبال می کند؛ همچنین، احساس بیشتری از امنیت و آرامش جامعه، هماهنگی اجتماعی، صلح و آشتی را برای تمام کسانی که درگیر مسأله هستند، به ارمغان می آورد (رجبی تاج امیر، ۱۴۰۰: ۱۷۳). در نهایت، روش های ترمیمی ممکن است (جان استون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲: ۸۸). در چارچوب ضمانت اجراهای میانه، از گذر نظام نیمه آزادی، به حمایت از بزه دیده و احقاق حق های او بینجامند. برای این منظور، قانون گذار مقرر کرده است اگر محکوم بخواهد از امتیاز نیمه آزادی بهره مند شود، باید خسارت وارده بر بزه دیده را جبران نماید و یا گذشت و رضایت او را بگیرد؛ به طور معمول، چنین راهکارهایی بهتر می تواند خواسته بزه دیدگان را نیز برآورده بسازد و از این جهت می توان نظام نیمه آزادی را جلوه ای از عدالت ترمیمی به شمار آورد (منصورآبادی، ۱۳۹۹: ج ۳، ۲۶۸). در این صورت، با توجه به ماده های ۵۶ و ۵۷ از ق.م.ا، بزهکار ضمن محکومیت به زندان و تحمل حبس هم می تواند به یک فعالیت اجتماعی مثبت حرفه ای، آموزشی و... در بیرون از زندان و نیز به اصلاح و بازپروری خود پردازد و هم می تواند در فرایند جبران آثار بزه دیدگی و بازسازی بزه دیده سهیم شود. بدین سان، نظام نیمه آزادی حس مسؤولیت پذیری بزهکار را تقویت می کند و روحیه سازش و آشتی را میان افراد جامعه رواج می دهد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۷۶).

آموزه های جرم شناسی می توانند به مسئولین نهاد نیمه آزادی کمک کنند تا برنامه های تربیتی بهینه ای را برای افراد محکوم طراحی کنند. این برنامه ها باید به شکلی باشند که به مرور زمان بهبود

1. John Stone

رفتار افراد را تضمین کنند و آن‌ها را به بازگشت به جامعه به شکل مسئولانه و پایدار تشویق کنند. همچنین، جرم‌شناسی می‌تواند به طراحی و اجرای برنامه‌های مؤثر و کارآمد در نهاد نیمه‌آزادی کمک کند تا هدف اصلی آن، یعنی بازگرداندن افراد به جامعه به شکل مسئولانه و ایجاد افرادی با رفتارهای مثبت، تحقق یابد.

## ۲-۲. تحلیل جرم‌شناسی جهانی شدن پذیرش نهاد نظارت الکترونیکی

با گام گذاردن جوامع بشری به هزاره سوم، نظام‌های کیفری خشن و سخت‌گیرانه مبتنی بر «الگوهای تنبیهی» کارکرد و کارآیی خود را از دست داده و با انتقادهای علمی و انسانی بیشتری مواجه شده است؛ به طوری که راهکارهای پیشین برای کاهش جرم، نجات زندانی و افزایش امنیت عمومی حساب خود را پس داده و می‌توان از آن‌ها به عنوان «الگوی ناکام» یاد کرد. در مقابل، بر مبنای آموزه‌های جرم‌شناسی، توسعه و گسترش نظام‌های کیفری انعطاف‌پذیر و نرم که بر روش‌های ترمیمی و جبرانی استوار است، با ارائه سازوکارهای توانمندسازی، کسب مهارت‌ها، حفظ حقوق و مسئولیت‌پذیری، کارآیی خود را به اثبات رسانده و بیشتر مورد پذیرش نظام‌های قضایی و صاحب‌نظران علوم اجتماعی و جرم‌شناسان قرار گرفته است (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۳: ج ۳، ۴۶).

این نهاد مترقی علاوه بر این که مانع از برجسب‌زنی به محکوم به حبس می‌شود، به فردی‌سازی اجرای این مجازات هم می‌پردازد و اصل شخصی بودن مجازات‌ها را به معنای دقیق کلمه در اجرای حبس به منصفه ظهور می‌رساند. افزون بر آن، آزادی تحت نظارت با عدم قطع ارتباط بین محکوم و خانواده‌اش، به پیشگیری رشد مدار مبادرت ورزیده و با دشوار کردن ارتکاب مجدد جرم در راستای پیشگیری موقعیت‌مدار گام بر می‌دارد. نکته حائز اهمیت که سیاست‌گذاران کیفری بر مبنای آموزه‌های جرم‌شناسی به آن توجه نموده‌اند، امکان بهره‌گیری از سایر نهادهای ارفاقی در ضمن مراقبت الکترونیکی می‌باشد. این مقرر رجیح رویکرد بازپرورانه و سیاست نرمشی را نسبت به سزادهی و صرف اجرای مجازات نمایان می‌سازد.

به طور کلی، اساس و منشأ نظارت الکترونیکی به دهه ۱۹۶۰م باز می‌گردد. در سال ۱۹۶۴م، پژوهشگران آمریکایی برای اولین بار سیستم نظارت الکترونیکی را نسبت به اطفال بزهکار ابداع کردند. بسیاری از کشورها از مدل آمریکایی نظارت الکترونیکی اقتباس کرده‌اند، به گونه‌ای که استفاده از این نهاد در زمینه‌هایی به تدریج جهانی شده و اولین پروژه نظارتی مرتبط پس از آمریکا، از سوی شورهای چون کانادا (۱۹۸۷م) و استرالیا، انگلستان و ولز (۱۹۸۹م) راه‌اندازی شد؛ در کشورهای اروپایی چون بلژیک (در سال ۱۹۹۸م)، فرانسه (۲۰۰۰م)، آلمان (۲۰۰۰م)، ایتالیا (۲۰۰۱م)، پرتغال (۲۰۰۲م)، اسپانیا (۲۰۰۰م)، دانمارک (۲۰۰۵م)، استونی (۲۰۰۷م)، جمهوری چک (۲۰۰۹م)، اتریش (۲۰۱۰م)، فنلاند (۲۰۱۰م)، آلمان (۲۰۱۱م) مورد پذیرش قرار

گرفته و در آمریکای جنوبی نیز آرژانتین در اواخر دهه ۱۹۹۰، این نهاد را پذیرفت و اجرایی کرد. نیوزیلند در سال ۱۹۹۹م و در آسیا نیز سنگاپور اوایل دهه (۱۹۹۰م) و تایوان (۲۰۰۶م) برنامه‌های نظارت الکترونیکی را راه‌اندازی کرده است (فروغی و ایرانی، ۱۳۹۵: ۶۰۴-۶۰۵).

به عبارتی، ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز در مطالعات علوم جنایی، نحوه اجرای مجازات سالب آزادی و جایگزین‌های آن را متحول ساخته است. نظام نظارت الکترونیکی یکی از این راهبردها می‌باشد که اخیراً با اقتباس از نظام‌های حقوقی دیگر مبتنی بر مطالعات جرم‌شناسی به حقوق کیفری ایران نیز راه یافته است. ظرفیت نوین پیش‌بینی شده در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به دستگاه قضا اختیار داده است تا محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار دهد. این نظام نوین با داشتن هم‌وغم تحقق رسالات مورد انتظار حبس و اهدافی چون کاهش جمعیت زندان، پیشگیری از جرم و تکرار جرم، احتراز از آثار سوء جرم‌شناسانه زندان پیشگیری از پذیرش فرهنگ زندان<sup>۱</sup> و پیشگیری از پدیده برچسب‌زنی<sup>۲</sup>، حفظ شغل و روابط اجتماعی و خانوادگی، جلوگیری از اطاله دادرسی و کاهش هزینه اقتصادی کیفر اهمیت یافته است.

نظارت الکترونیکی به گونه‌ای است که مجرم مجاز به رفتن به سر کار و نیز شرکت یافتن در بعضی از فعالیت‌های معین بوده و الباقی مواقع در منزل زندانی بوده و رفت و آمدش نظارت شده می‌باشد (آشوری، ۱۳۹۸: ۲۲۰). به کارگیری این سیستم را در مورد مجرمان نوپا و کم‌خطر توصیه می‌نمایند که هزینه‌های استفاده و نگهداری از تجهیزات را هم پرداخت کنند. از طرفی، عدم پیش‌بینی بسیاری از مقررات و شرایط ضروری برای اجرای نظارت الکترونیکی از ضعف‌های نهاد نوین کیفری است. اختصاص تنها دو ماده به پیش‌بینی تمامی مقررات این نهاد بسنده نیست. برای نمونه، در ق.م.ا. ۱۳۹۲، چگونگی پایان دادن به نظام نظارت الکترونیکی یا انصراف محکوم از ادامه اجرای این مجازات پیش‌بینی نشده است.

می‌توان به پذیرش نهاد نظارت الکترونیکی از دیدگاه «جرم‌شناسی مدیریت خطر» نیز نگریم. از این منظر، زندان برخلاف اندیشه اصلاح و بازپروری تبدیل به «زباله‌دان اجتماعی» یا محلی برای انباشت توده‌های مجرمین پرریسکی می‌شود که ضایعات انسانی و تفاله‌های به‌جامانده از تحولات اجتماعی محسوب می‌شود (پاک نهاد، ۱۳۹۴: ۲۲). بر این اساس، شایسته و بلکه، ضروری است که «گورستان زندگان»<sup>۳</sup>، تنها به مرده‌دلان خطرناکی اختصاص یابد که با ارتکاب جرائم سنگین و شدید، نظم عمومی را چنان مخدوش می‌سازند که چاره‌ای جز سلب آزادی آنان

## 1. Prisonization 2. Labelling

۳. تعبیر به «گورستان زندگان» از مجازات زندان، اشاره به حدیثی است که مطابق آن حضرت یوسف (ع) بر درب زندان مصر به شرح زیر نوشته است: «هَذَا قُبُورُ الْأَحْيَاءِ، بَيْتُ الْأَخْزَانِ، تَجْرِبَةُ الْأَصْدِقَاءِ وَ شِمَاتَةُ الْأَعْدَاءِ»؛ یعنی زندان گورستان زندگان، منزلگاه غم‌ها، مکان آزمودن دوستان و محل سرزنش و شماتت دشمنان است (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۴۳).

وجود ندارد (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۴۳). با این رویکرد، محکومی که جرم سنگینی را انجام نداده و به عبارتی، دارای حالت خطرناک نیست، با اعزام به زندان ممکن است در محیط زندان آسیب ببیند و انگ مجرمانه نیز آینده وی را تحت شعاع قرار دهد. لیکن، با پذیرش نهاد نظارت الکترونیکی، بزهدار تحت نظارت و مدیریت مقام قضایی قرار می‌گیرد و می‌توان از این طریق مدیریت مناسبی بر رفتار وی اعمال کرد و منجر به گرفتن فرصت‌های تکرار جرم از آنان (توان‌گیری) خواهد شد. به طور کلی، وجود نهاد نظارت الکترونیکی مورد تأیید علم جرم‌شناسی بوده و می‌تواند موجبات جلوگیری از اجرای بسیاری از تصمیمات قضایی و حتی مجازات‌هایی را فراهم آورد که رخداد و عینیت یافتن آن‌ها نتیجه و بیلان مثبتی را رقم نمی‌زنند. در این نهاد، بزهدار با نوعی اخطار مواجه است و لذا، سعی خواهد کرد کماکان موجبات خوش‌بینی دستگاه قضایی را نسبت به خود حفظ نماید. بنابراین، در ذات این نهاد می‌توان از عناصر پیشگیرنده و بازدارنده هم سراغ گرفت که تقویت آن‌ها را به مراتب بهتر از اجرای نظام سنتی مجازات‌ها دانست.

آموزه‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرا و محکومان می‌توانند تأثیر زیادی بر نهاد نظارت الکترونیکی داشته باشند؛ به عنوان مثال، اصول جرم‌شناسی می‌توانند به عنوان مبنا و استنادی برای تصمیم‌گیری در مورد استفاده از ابزارهای نظارت الکترونیکی استفاده شوند. علاوه بر این، اصول تشخیص و تحلیل جرم‌شناسی می‌تواند در فرایند نظارت و پایش افراد تحت نظارت الکترونیکی از اهمیت بالایی برخوردار باشند؛ به عنوان مثال، با ارزیابی زمان و مکان حضور و یا عدم حضور فرد، میزان رعایت حکم قضایی و یا شناسایی نقض‌های قانونی توسط فرد تحت نظارت. به طور کلی، آموزه‌های جرم‌شناسی به عنوان یک چارچوب تئوری تخصصی، نقش مهمی در طراحی و اجرای نظارت الکترونیکی برای محکومان را دارد.

## ۲-۳. تحلیل جرم‌شناسی جهانی شدن پذیرش مجازات‌های جایگزین حبس

تردید نیست که طرد نمودن فرد بزهدار از جامعه و مجبوس کردن وی در قالب کیفر حبس، علاوه بر محروم‌سازی جامعه از خدمات و کارایی نام‌برده، او را نیز از حقوق اجتماعی محروم ساخته و بازاجتماعی شدن وی را دشوار می‌سازد؛ بر این اساس، تلاش در جهت بازسازی و اصلاح شخصیت مجرم در درون جامعه‌ای که به آن تعلق داشته و پس از تحمل محکومیت نیز در همان جامعه به فعالیت خود ادامه خواهد داد، نقش مؤثری در بازاجتماعی شدن وی ایفا می‌کند که این مهم در پرتو کاربست مجازات‌های جایگزین حبس میسر می‌باشد (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۲۵).

در این راستا، یکی از صاحب‌نظران با تصریح به این واقعیت که بهترین راه اصلاح آن است که فرد درون همان جامعه‌ای که به آن تعلق دارد، مورد بازسازی و اصلاح قرار گیرد، ضمن اشاره به نظریات و دیدگاه‌های جرم‌شناختی، می‌افزاید: «یکی از این دیدگاه‌ها، دیدگاه یا نظریه‌ی تعامل‌گرا است که در واقع، ورود فرد به فرایند کیفری مخصوصاً زندان را به عنوان یک عامل

«برچسب‌زننده»، معرفی می‌کند. در این چارچوب، فرد از اجتماع و جمعیت فاصله می‌گیرد و به جمعیت برچسب‌خورده‌ی جامعه اضافه می‌شود و فرد خود را جداشده از جامعه تلقی می‌کند. این دیدگاه به ما تأکید می‌کند که فرد اصولاً به فرایند کیفری وارد نشود یا حداقل به مجازات حبس محکوم نشود (مهدوی، ۱۳۹۳).

بر این اساس، نظر به این که ضرر و زیان حاصل از اجرای کیفر حبس در بسیاری از موارد می‌تواند از آسیب ناشی از جرم ارتكابی بر جامعه بیشتر باشد، اقتضای عدالت و منطق آن است که در کاربست مجازات یادشده، به ضرورت‌ها بسنده گردد و با کاربست سایر مجازات‌ها و یا جایگزین‌های حبس، زمینه‌ی تقلیل آثار منفی زندان و کیفر حبس فراهم شود.

بر این اساس، برخلاف مجازات‌های اصلی که غالباً در یک مجازات منحصر بوده و به‌ندرت به صورت تخییری آن هم بین دو کیفر مقرر گردیده‌اند، مجازات‌های جایگزین حبس اقسام و گونه‌های متعددی داشته و در پرتو این ویژگی مثبت، دادگاه در تعیین اصل و انتخاب نوع آن‌ها اختیار بیشتری دارد که نتیجه‌ی کاربست شایسته‌ی آن، به شخصی کردن حداکثری مجازات‌ها می‌انجامد. در این راستا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۰ در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰، با عنوان «حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل راجع به اقدامات غیربازداشتی» که به «قواعد توکیو» معروف است، تدابیر جایگزین حبس را در سه مرحله‌ی پیش از محاکمه، محاکمه و تعیین مجازات و بالأخره، مرحله‌ی پس از محاکمه، پیش‌بینی نموده و ضمن مطالبه تنوع‌بخشی در خصوص جایگزین‌های حبس از کشورهای عضو، تأکید می‌کند (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۲۷).

لازم به ذکر است که علاوه بر نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در سطح منطقه‌ای نیز تلاش‌هایی جهت استفاده از جایگزین‌های حبس به عمل آمده که می‌توان به عنوان نمونه، به «قواعد اروپا در خصوص مجازات‌ها و اقدامات اجتماعی» که در قالب توصیه‌نامه‌ی شماره ۹۹، در سال ۱۹۹۲ به تصویب کمیته وزیران شورای اروپا رسیده، اشاره کرد. به رغم غیرالزام‌آور بودن اسناد بین‌المللی یادشده، از جمله قواعد توکیو و قوانین کشورهای مختلف، در این زمینه تردیدی در تأثیرپذیری آن‌ها از آموزه‌های جرم‌شناسی و تلاش برای بازنگری مقررات داخلی کشورها در خصوص مجازات حبس و جایگزین‌های آن وجود ندارد.

مجازات‌های جایگزین حبس در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ حاصل تلاشی است که از سال ۱۳۷۹ به همت مدیران قوه قضائیه و جمعی از دانشگاهیان جهت تدوین لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی آغاز گردید. هرچند تهیه‌کنندگان متن اولیه، مجازات‌های اجتماعی را در قالب لایحه‌ای مستقل با عنوان لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی، پیشنهاد کرده بودند<sup>۲</sup> و همواره از اطلاق عنوان

1. United Nations Standard Minimum Rules for Non-custodial Measures (the Tokyo rules).

۲. برای آگاهی از فرآیند تدوین لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی، رجوع کنید به: (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۲۷).



«مجازات‌های جایگزین زندان» به این مجازات‌ها بر حذر بودند، اما متأسفانه فرآیند پریپچ‌وخم تصویب آن هم به عنوان فصلی از قانون مجازات اسلامی و نه به عنوان قانونی مستقل و با توجه به اظهارنظرهای افرادی با دغدغه‌های سیاسی و اجرایی که غالباً با دید ابزاری به آن لایحه نگریستند، آخر الامر منجر به تغییرات زیادی در مواد لایحه شد و متأسفانه، نهایتاً، به عنوان فصل نهم قانون مجازات اسلامی تصویب شد.

البته، انتخاب عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» برای فصل مذکور، امری اتفاقی نبوده است؛ زیرا لایحه مجازات‌های اجتماعی وقتی به مجلس راه یافت، کلیات آن با عنوان «لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» به تصویب رسید و به این ترتیب، با پسوندی که به عنوان لایحه افزوده شد، پرده از هدف اصلی آن برداشته شد. نهایتاً، وقتی مواد لایحه مذکور به فصل نهم لایحه قانون مجازات اسلامی انتقال یافت، عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» برای آن فصل برگزیده شد. در لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی، چهار نوع مجازات دوره مراقبت، خدمات عمومی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی پیش‌بینی شده بود؛ اما در ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ جزای نقدی نیز به انواع مجازات‌های جایگزین حبس افزوده شده و این تعداد به پنج نوع رسیده است.

با این وصف، کیفرهای جایگزین که رهاورد اندیشه‌های جرم‌شناسان است، خصیصه‌های بخصوصی دارد؛ از جمله ویژگی‌های بارز آن‌ها، جامعوی و مشارکتی بودن و نقش برجسته‌ای است که جامعه در اعمال آن‌ها ایفا می‌کند (واس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰: ۵۲). امروزه، حقوق کیفری متأثر از آموزه‌های جرم‌شناسی نقش فعالی در فرایند اجرای مجازات‌های جایگزین به جامعه مدنی داده است. همین ویژگی سبب می‌شود که مردم در جریان اجرای مجازات قرار گیرند و پذیرش مجرم و هنجارمند کردن وی توسط جامعه سریع‌تر و بهتر صورت گیرد.

## بحث و نتیجه‌گیری

حقوق کیفری و جرم‌شناسی، راهی از تقابل تا تعامل را طی کرده‌اند؛ در آغاز، با سربرآوردن مکتب تحقیقی (اثباتی) و ظهور دانش جرم‌شناسی، این دانش هویت خود را در نفی حقوق کیفری می‌جست؛ اما هم‌اکنون این دو گرایش دادوستدی گسترده با یکدیگر دارند و در بیشتر دانشگاه‌های دنیا به عنوان یک گرایش علمی و دانشگاهی به شمار می‌آیند. در این تعامل و دادوستد، بسیاری از قواعد حقوق کیفری عمومی در تأثیرپذیری از اندیشه‌ورزی‌ها و آموزه‌های جرم‌شناسی به نظام‌های حقوق راه یافته‌اند. در این راستا، جرم‌شناسی به عنوان دانشی بین‌رشته‌ای و پویا در یکی دو سده گذشته، نقشی پررنگ در تعدیل و بهبود وضعیت جنایی و حقوق کیفری

1. Vass

کشورها داشته است. به همین دلیل، امروزه امکان به کارگیری بهینه حقوق کیفری به صورت جهانی بدون توجه به آموزه‌های جرم‌شناسی وجود ندارد.

در حقوق کیفری عمومی، آموزه‌های جرم‌شناسی به عنوان یکی از اصول اساسی و مبنایی سیستم کیفری مطرح می‌شوند که هدف آن‌ها، تعیین جرم و مجازات متناسب با آموزه‌های جرم‌شناسی است. این آموزه‌ها، با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و حقوقی، از دستاوردهای خاصی برخوردارند که نیازمند ارزیابی و تجدیدنظر مداوم است. این مسأله بیانگر اهمیت ارزیابی جامع و کامل آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی است.

با قطعیت از دستاوردهای علمی جرم‌شناسی و مشاهده اثرات و پیامدهای سوء و آسیب‌های اجتماعی غیرقابل جبران مجازات زندان، می‌توان نتیجه گرفت که نقش اصلاحی زندان‌ها به دلیل آثار سوء آن، به حاشیه رانده شده است و دیگر حبس به عنوان مجازاتی با هدف اصلاح، بازپروری و توانمندسازی فرد مجرم برای بازگشت به اجتماع و ادامه زندگی به عنوان فرد عادی، ابزار مناسبی تلقی نمی‌شود و به شدت برای کاهش تبعات منفی حبس، بر ضرورت به کارگیری جهانی شدن گونه‌های نوین مجازات تأکید داشت.

### پیشنهادها

۱) قانون‌گذار نهاد حقوقی - جرم‌شناختی نظام نیمه آزادی را با اقتباس از قانون مجازات فرانسه و به توصیه جرم‌شناسان، وارد سامانه حقوق کیفری ایران کرده است؛ لیکن متأسفانه، این اقتباس به صورت ناقص صورت گرفته است؛ برای نمونه، مکانیزم پس گرفتن ارفاق اعطاء شده به محکوم علیه در نظام نیمه آزادی، در صورت عدم رعایت تعهدات، پیش‌بینی نشده است. از این رو، پیشنهاد می‌شود آیین دادرسی حاکم بر نحوه اجرای نهاد نیمه آزادی مبتنی بر آموزه‌های جرم‌شناختی پیش‌بینی شود.

۲) نسبت به نظارت سامانه‌های الکترونیکی، پیشنهاد می‌شود که انصراف محکوم به حبس از رضایت اولیه در مدت قرار داشتن تحت نظارت الکترونیکی در ق.م.ا پیش‌بینی شود؛ چرا که ممکن است شخص محکوم به رغم رضایت ابتدایی مبنی بر قرار گرفتن تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، به عللی، از استمرار قرار داشتن تحت نظارت منصرف شود. برای اینکه این نهاد مبتنی بر آموزه‌های جرم‌شناسی شود، ضروری است مقنن نسبت به امکان انصراف محکوم علیه از رضایت ابتدایی و آثار آن، تدبیری اتخاذ کند.

۳) پیشنهاد بعدی، رفع ابهام مقنن در مورد سکوت نسبت به تعیین مدت، نوع و کیفیت «محرومیت از حقوق اجتماعی» به عنوان یکی از مجازات‌های جایگزین حبس است. حتی اگر بتوان با تسامح نوع محرومیت مورد نظر مقنن را از مصادیق مندرج در ماده‌ی ۲۶ ق.م.ا استنباط نمود، ولی تعیین مدت آن بدون مستند، وجاهت قانونی ندارد. بر این مبنای، ضروری است قانونگذار نسبت به رفع این خلأ، راهکاری بیندیشد.

## منابع

- آشوری، محمد. (۱۳۹۸). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین. ویراست جدید. انتشارات جهش.
- آقاپور، علی و شاهد، بهارک. (۱۴۰۲). رابطه دولت و عوام‌گرایی کیفری در بستر سیاست جنایی قضایی با تأکید بر پرونده‌های قتل. کارآگاه، ۱۷(۶۲)، ۳۸-۲۱.
- آقایی جنت مکان، حسین. (۱۳۹۳). حقوق کیفری عمومی (کیفرشناسی نو). جلد سوم. چاپ دوم. انتشارات جنگل.
- آنسل، مارک. (۱۴۰۱). اصول دفاع اجتماعی. ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ ششم. انتشارات گنج دانش.
- اعتمادی، علی؛ شاملو، باقر؛ علیمردی، امان‌اله و احمدی موسوی، سیدمهدی. (۱۳۹۸). جایگاه احترام به کرامت انسانی در ارتقای اقتدار قضایی. تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۱۲(۴۶)، ۱۸۲-۱۵۹.
- اکرمی، روح‌الله و سیف‌الله پور، فرزانه. (۱۳۹۶). تحلیلی بر نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری ایران و فرانسه با رویکردی به مبانی فقهی آن. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۴(۱۳)، ۳۸-۱.
- بابایی، محمدعلی. (۱۳۹۰). جهانی شدن جرم: ضرورتی پیش روی مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسی. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۸(۱)، ۱۳۶-۱۱۵.
- باقری، شیرین. (۱۴۰۰). تحلیل جرم‌شناختی اجرای احکام کیفری. چاپ اول. انتشارات مهر کلام.
- پاک‌نهاد، امیر. (۱۴۰۱). اصول جرم‌شناسی. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- پاک‌نهاد، امیر. (۱۳۹۴). سیاست جنایی ریسک‌مدار. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.
- پردال، ژان. (۱۳۹۶). تاریخ اندیشه‌های کیفری. ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ یازدهم. تهران. سمت.
- توجهی، عبدالعلی. (۱۴۰۲). نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی. چاپ اول. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی کجروی. چاپ ششم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شیرینی، عباس. (۱۳۹۷). مکتب جرم‌شناسی انتقادی محکومان، دانشنامه جرم‌شناسی محکومان. به کوشش عباس شیرینی. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- دکسردی، والتر اس. (۱۴۰۲). جرم‌شناسی انتقادی معاصر. ترجمه و تحقیق از مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا دانش‌ناری. چاپ چهارم. دادگستر.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۸). بزه‌دیده‌شناسی. جلد اول. چاپ دوم. شهردانش.
- رجبی تاج‌امیر، ابراهیم. (۱۴۰۰). نهادینه‌سازی رویه‌های عدالت‌ترمیمی در پلیس. مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۹(۱۸)، ۱۹۸-۱۶۷.
- رستمی، هادی. (۱۴۰۲). ارزیابی نهادهای ارفاقی در سیاست جنایی ایران (با تأکید بر گسترش افراطی و ناکارآمدی). آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۰(۲۵)، ۱۷۸-۱۵۳.
- ریاضت، زینب. (۱۳۹۸). مطالعه جرم‌شناختی مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی. کتاب چهارم. علوم جنایی تجربی. زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

- صديق سروستانی، رحمت الله. (۱۴۰۱). *آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)*. چاپ یازدهم. سمت.
- صفاری، علی. (۱۴۰۱). *کیفرشناسی*. چاپ سی و هشتم. انتشارات جنگل.
- صفاری، علی و صابری، راضیه. (۱۳۹۸). *جرم شناسی صلح طلب: رویکرد آن به جرم و راهکارهای مقابله با جرم*. مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۴ (۵۳)، ۱۶۶-۱۴۹.
- عبداللهی، افشین. (۱۳۹۳). *تعامل جرم شناسی و آیین دادرسی کیفری*. رساله دکتری رشته حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- فروغی، فضل الله و ایرانی، امیر. (۱۳۹۵). *مطالعه تطبیقی شناسایی و اجرای نظارت الکترونیکی در حقوق کیفری ایران و امریکا*. مطالعات حقوق تطبیقی، ۷ (۲)، ۶۰۱-۶۲۶.
- کرامتی معز، هادی. (۱۴۰۲). *جرم شناسی (طرح مباحث نوین در دانش جرم شناسی)*. چاپ اول. شرکت سهامی انتشار.
- کرامتی معز، هادی و حسن آبادی، عبدالرحمن. (۱۴۰۲). *سیاست کیفری سخت گیرانه در آیین دادرسی کیفری ایران (در بومه نقد)*. چاپ اول. انتشارات عدل قانون.
- مارش، یان و همکاران. (۱۳۹۸). *نظریه های جرم*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.
- منصورآبادی، عباس. (۱۳۹۹). *حقوق جزای عمومی ۳*. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- مهدوی، محمود. (۱۳۹۳). *سخنرانی ارائه شده در همایش مجازات های جایگزین حبس و راهکارهای اجرایی آن*. برگزار شده در پژوهشگاه قوه قضاییه ۱۳۹۳/۸/۳.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید. (۱۴۰۱). *دانشنامه جرم شناسی*. چاپ ششم. گنج دانش.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۹۸). *پیوند حقوق کیفری و جرم شناسی، افق های نوین حقوق کیفری*. نکوداشت حسین آقایی نیا. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۹۴). *جرم شناسی در آغاز هزاره سوم، دیباچه در: مگ وایر، مارک و دیگران*. دانشنامه جرم شناسی آکسفورد. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. جلد اول. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۸۶). *مجازات های جامعه مدار در لایحه قانون مجازات های اجتماعی جایگزین زندان: راهکاری برای کاهش جمعیت زندان*. در مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- والهی، حمید و احسان پور، سیدرضا. (۱۳۹۵). *جایگاه جایگزین های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آن ها در نظام عدالت کیفری ایران*. مجلس و راهبرد، ۸۵ (۸۵)، ۲۷۸-۲۴۷.

- John Stone, Gerry (2002). *Restorative Justice (Ideas, Values, debates)*, willan publishers.



- Mathew O.yeager (2011). Frank Tannenbaum: The making of a convict criminologist, *The prison journal*, 91, 2.
- Laufer, William S. & Adler, Freda (Editors), (2013). *Advances in Criminological Theory, The Criminology of Criminal law*, Volume 8, Transaction publishers, New Jersey.
- Vass, Antony A, (1990). *Alternatives to Prison, Custody and The Community*, London, Newburly Park Publisher.